



Est.1994

# JCL

**Journal of the College of Languages**

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2022, No.(45)

Pg.340-366

## **Comparison between Ghassan Kanafani's Novel " Ma tabaqa lakom" and William Faulkner's "The Sound and the Fury" from the Perspective of the American School (the methodology of the novelistic theme and style)**

**Professor Raheem M . Jaber Al Attabi (Ph. D)**

**E-mail: [drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)**

University of Baghdad, College of Languages, Department of Persian Language, Baghdad, Iraq.

**Asst. Instructor Hassan Azami khavirad (Ph. D.)**

**E-mail: [h.azami@ut.ac.ir](mailto:h.azami@ut.ac.ir)**

University of Tehran, Department of Arabic Language and Literature, Tehran, Iran.

**( Received on 4/10/2021- Accepted on 9/11/2021 - Published on 2/1/2022 )**

**DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2022.0.45.0340>**



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

### **Abstract**

Being the meeting points of the world different languages and out of a scholarly perspective, comparative literature represents a cultural leap as well as an artistic and intellectual development or a global literary movement of both prose and poetry. Such homogenous literary structure requires a systematic and coherent study of the literary output of the people

different cultures and civilizations. It also represents the theoretical approach of the present study that debates a systematic comparison between Ghassan Kanafani's *All That's Left to You* and William Faulkner's *The Sound and the Fury*. Within the perspective of the descriptive analysis approach, the present paper discusses the points of similarities and differences of the two novels and explains the artistic achievements of both novelists that have always been the center of the conceptual and methodological studies for the scholars and researchers of comparative studies. The importance of the present study lies in adapting the systematic and the theoretical aspects that have deliberately or accidentally marginally been included in the previous comparative studies. One of the basic similarities of the two novels lies in the use of the poetic dictions expressed within the psychological novel pattern and described through stream of consciousness. Hence, it is necessary to approach the two works in dialogue with the American school that have always taken the interest in studying different literary genres of different cultures. Of the most important findings of the systematic studies based on theoretical aspects of comparative study of the two novels: 1. stylistically speaking, both novels follow the stream of consciousness approach but it is less obvious in Ghassan Kanafani's novel where the effect of his shrewd style cannot be ignored. 2. Thematically speaking, Ghassan Kanafani's creativity lies in the touch of the optimism employed rather than the pessimistic characteristics expressed in Faulkner's novel which is the very essences of the modern psychological novel.

**Key words:** comparative literature, the American school, the methodology of narration style and theme, "Ma tabaqa lakom", "The Sound and the Fury".

مقایسه دو رمان "ماتبقي لکم" کنفانی و "خشم و هیاهو" ی فاکنر بر اساس  
مکتب آمریکا  
(بررسی روش شناختی محتوایی و سبکی)

أ.د. رحيم مزهر العتابي

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه بغداد

أ.م. د. حسن اعظمی خویرد<sup>1</sup>\*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه تهران

### چکیده

ادبیات تطبیقی نه فقط نقطه تلاقی زبان ها، فرهنگ ها و ملیت های گوناگون بلکه به تعبیر پژوهشگران این اثر، نقطه کانونی یک خیزش فرهنگی، یک نهضت تمدنی و یک جنبش ادبی جهانی است که گاه در لباس نثر و دیگرگاه در زیور شعر خودنمایی می کند و چنین شاکله ای انداموار، طبیعتاً بررسی روش مند و منسجم تر دستاوردهای ادبی ملل مختلف را اقتضا می کند. همین دغدغه پژوهشگران را بر آن داشت تا دو رمان "ما تبقي لکم" غسان کنفانی و "خشم و هیاهو" ویلیام فاکنر را با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی کنند و هم با بیان وجوه تشابه و تفاوت میان این دو اثر، سبک روایی و خلاقیت دو نویسنده را نشان دهند و هم پژوهشگران و دانش اندوزان حوزه ادبیات تطبیقی را با اصول روش شناختی پژوهش کیفی آشنا سازند. ضرورت و اهمیت پژوهش در این است که مطالعات پیشین انجام شده - خواه یا ناخواه - از بررسی روش مند و نظری در مقام مقایسه رمان های مورد مطالعه غافل بوده اند. دستاوردهای اصلی پژوهش اینکه وجه اشتراک این دو رمان در به کارگیری زبانی شاعرانه و داشتن ویژگی های رمان روان ساختی مدرن و صبغه سیال ذهنی متبلور است و همین ویژگی ها بررسی تطبیقی با رویکرد آمریکایی را در پژوهش اقتضا می کند که قائل به مطالعه ادبیات در فراسوی مرزهای خاص یک کشور است. سرانجام بررسی روش مند دو رمان و کاوش در مطالعات پیشین، یافته ها و نتایج استواری را ارائه می دهد از جمله اینکه: 1- کنفانی با خوش بینی، بدبینی های موجود در رمان روان ساختی نو را می زداید؛ ولی فاکنر نسبت به این امر همچنان امانت دار بوده و روح بدبینی و ناکامی بر رمانش حکم فرماست. 2- ویژگی های سبکی جریان سیال ذهن بر هر دو اثر حکم فرماست و در رمان کنفانی رگه هایی از تأثیرپذیری وجود دارد و البته خلاقیت سبکی کنفانی امری انکارناپذیر است.

**کلیدواژه ها:** ادبیات تطبیقی، مکتب آمریکا، روش شناختی ساختار و محتوا، ماتبقي لکم، خشم و هیاهو.

<sup>1</sup> . نویسنده مسؤول: [h.azami@ut.ac.ir](mailto:h.azami@ut.ac.ir) - 00989150676135

## 1. مقدمه

ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه‌ای از ادبیات، به طور کلی، و نقد ادبی، به طور ویژه؛ نقطه تلاقی زبان‌ها و فرهنگها و ملیت‌های گوناگون است و بیان مفهومی دقیق از این شاخه ادبی که گردآورنده تمامی آرا و نظریه‌های ادیبان باشد کاری است بس دشوار؛ زیرا پژوهشگران کشورها بنا بر تعاریفشان از ادبیات تطبیقی، برداشت و مفهومی خاصی از آن دارند. ادبیات تطبیقی بیشتر در آثاری به زبان‌های گوناگون مطرح می‌شود اما وجود تطبیق در آثار به یک زبان هم امری بعید نیست و البته تحقق این امر مرهون شرایط و مؤلفه‌هایی است که در حوصله بحث حاضر نمی‌گنجد و پژوهشگران نیز در این تحفه درویشانه قصد تکرار مکررات ندارد هر چند به مقتضای روش‌شناسی پژوهش کاملاً هم از آن غافل نمانده اند. اینک با تکیه بر این پیش فرض اساسی که روش‌مندی مطالعات ادبی تطبیقی باعث غنای این حوزه می‌گردد و در نقطه مقابل آن؛ بررسی ناروش‌مند و غیر استوار بر یک بنیان نظری مشخص می‌تواند باعث ادا نکردن حق مطلب گردد، پژوهش حاضر پس از تعریف مختصر ادبیات تطبیقی به بررسی روش‌شناختی ساختاری- سبکی و محتوایی دو اثر مورد مطالعه و به طوّد خاص در پیشینه پژوهش و در ضمن آن به بیان کاستی‌های روش‌شناختی آثار پیشین خواهد پرداخت.

## 1-1. طرح مسأله و فرضیه‌های بنیادین پژوهش

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات و به مثابه مطالعه روابط بین‌المللی معنوی، ارتباطات حقیقی میان بایرون و پوشکین، گوته و کارلیل، والتر اسکات و ویگنی، روابط میان آثار، تأثیرات و حتی زندگی نویسندگانی است که به زبان‌های مختلف تعلق دارند. به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی روابط و مناسبات ادبیات ملت‌ها و اقوام گوناگون را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، درباره تأثیرپذیری ادبیات یک ملت از ادبیات سایر ملل سخن می‌گوید. دیدگاه‌های مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با انتشار مقاله هنری رمارک با عنوان «ادبیات تطبیقی؛ تعریف و کارکرد آن» تثبیت شد. رمارک با ارائه تعریفی نوین از ادبیات تطبیقی -که مورد پذیرش بیشتر تطبیق‌گران آمریکایی قرار گرفته است- بین ادبیات تطبیقی به دلیل ماهیت بینارشته‌ای آن با سایر دانش‌های بشری ارتباط تنگاتنگی برقرار کرد: «ادبیات تطبیقی مطالعه ادبیات در فراسوی مرزهای یک کشور خاص و مطالعه روابط میان ادبیات از یک سو و سایر قلمروهای دانش و معرفت مانند هنرها (مثل نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، موسیقی)، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی (مانند سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی)، علوم، دین و... از سوی دیگر است. خلاصه، ادبیات تطبیقی شامل مقایسه یک ادبیات با یک یا چند ادبیات دیگر و مقایسه آن با سایر قلمروهای بیانی انسان است.» (Remark, 1961, p. 3)

مطالعه تاریخ زندگی و سرگذشت کنفانی و فاکنر آشکار می‌کند که هیچ سابقه مرادوهای میان آنها ثبت نشده است و ظاهراً فاکنر با ادبیات معاصر عرب آشنایی نداشته است اما در رمان کنفانی از لحاظ سبک روایی رگه‌هایی از تأثیر پذیری وجود دارد. فاکنر قرار گرفته

است. این توضیح مختصر بررسی روش‌مند دو اثر بر مبنای رویکرد تطبیقی آمریکایی را ایجاب می‌کند که قائل به بررسی جنبه‌های تأثیر و تأثر ادبیات ملل در فراسوی مرزها و فارغ از تقارن زمانی و جغرافیایی است.

**پژوهش حاضر، بر فرضیه‌های بنیادین زیر متکی است:**

- أ. کاوشهای تطبیقی قبلی با وجود پرداختن به ابعاد مختلف دو رمان اما نقطه ضعف عمده آنها غیر روش‌مند بودن و نداشتن پشتوانه متقن نظری است.
- ب. بارزترین وجوه شباهت دو رمان به اشتراک ساختاری، صیغه روان شناختی مدرن و جریان سیال ذهنی و شاعرانگی زبان روایت و از بارزترین وجوه تفاوت آن دو زدودن ویژگی بدبینی غالب بر رمان روان‌ساختی مدرن توسط کنفانی و در مقابل؛ امانت‌داری فاکنر به آن است.
- ت. رگه‌هایی از تقلید سبک در رمان کنفانی وجود دارد که البته تقلید صرف نبوده بلکه گاه حتی جنبه خلاقیت کنفانی بر فاکنر می‌چربد.

**با تکیه بر بنیان فرضیه‌های مذکور می‌کوشد تا به پرسشهای کلیدی زیر پاسخ دهد:**

- 1- ضعف عمده کاوشهای تطبیقی پیشین در مقام مقایسه دو رمان چیست؟
  - 2- بارزترین وجوه شباهت و تفاوت دو رمان کدام است؟
  - 3- تمرکز بر رویکرد تطبیقی آمریکایی تأثیر و تأثر حاکم بر دو رمان در چه سطحی است؟
- 1-2. پیشینه و روش‌شناسی پژوهش**

درباره این دو رمان- خواه به طور جداگانه و خواه به صورت مقایسه‌ای- پژوهش‌های ارزشمندی به زبانهای عربی و فارسی توسط پژوهشگران کشورهای مختلف انجام شده است. از آنجایی که ذهن پرسشگر ممکن است در وهله نخست انجام پژوهش حاضر را به نوعی غیر ضروری تلقی کند، به همین خاطر نخست پژوهشهای تک بُعدی به اختصار معرفی می‌گردد. سپس پژوهشهای تطبیقی گذشته که وجه اشتراکشان نداشتن پشتوانه محکم نظری و روشی است معرفی و آسیب‌شناسی می‌شود تا جنبه اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر بر خواننده منصف آشکار گردد.

### **1-2-1. مطالعات تک بُعدی پیشین**

از مهمترین مطالعات دسته نخست که یکی از دو رمان را به طور مستقل و از زوایای متعدد دیگری بررسی کرده‌اند عبارتند از:

مقاله «دراسة في رواية ما تبقى لكم لغسان كنفاني» سعیده میرحق جو لنگرودی و فاطمه علی نژاد چمازکتی. فصلیة داراسات الادب المعاصر. 1389-1431. این مقاله هم در بررسی

محتوایی رمان کفانی تهی از روش‌مندی است و هم بنیان نظری مشخصی آن را پشتیبانی نمی‌کند.

پایان نامه کارشناسی ارشد «شیوه روایی در آثار غسان کفانی، بررسی موردی رجال فی الشمس و ما تبقی لکم» مریم مرادی. دانشگاه بوعلی همدان. 1389. در بررسی ما تبقی لکم، صرف نظر از حضور راوی دانای کل در صفحات ابتدایی داستان، غالباً دید هماهنگ را برای روایتگری مورد استفاده قرار داده است و گوناگونی روایتگر را یکی از ویژگی‌های داستان‌سرایی این داستان قلمداد کرده است.

مقاله «کاربست امپرسیونیسم در رمان ما تبقی لکم غسان کفانی» احمد رضا صاعدي. مجله نقد ادب معاصر عربی. 1392. این مقاله بر اساس نظریه «سوزان فرگسن» در خصوص ویژگی‌های ادبیات داستانی امپرسیونیستی، «ما تبقی لکم» را در ترازوی نقد، بررسی و تحلیل قرار داده و جنبه‌های امپرسیونیستی آن را برجسته کرده است.

مقاله "بررسی عناصر سبک سیال ذهن در داستان خشم و هیاهو اثر ویلیام فاکنر"، فاطمه راحت لو شاهسوند. مجله علمی تخصصی مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه. 1398. نویسنده این مقاله تأثیر سه عنصر شخصیت، زمان و مکان را بر روند داستان خشم و هیاهو و البته به شکل سطحی و غیر دقیقی بررسی کرده است.

## 1-2-2. مطالعات تطبیقی پیشین

مطالعات تطبیقی پیشین دو رمان را از ابعاد دیگری و بدون پشتوانه روشی یا نظری مشخصی مقایسه کرده اند:

مقاله «اثرپذیری غسان کفانی و عباس معروفی در رمان‌های «ما تبقی لکم» و «سمفونی مردگان» از خشم و هیاهو ویلیام فاکنر» تورج زینی‌وند و مصیب قبادی. لسان مبین، 1392. این تنها پژوهشی است که در ایران به طور خاص به بررسی تطبیقی بخش مختصری از دو رمان می‌پردازد اما مقاله مزبور، به صورت تقریباً ناقصی، تنها به بررسی دامنه تأثیرپذیری غسان کفانی و عباس معروفی از رمان فاکنر پرداخته است و روش تحقیق نویسندگان، مکتب تطبیقی فرانسه بوده است که مبنای نظری چندان روشن و دقیقی نیست، زیرا این مکتب به دو مسأله لزوم ارتباط تاریخی دو ادبیات و واقعی و عملی بودن تأثیر و تأثر قائل است حال آنکه در صفحات بعدی این پژوهش ملاحظه خواهد شد که چنین شروطی بر دو رمان قابل انطباق نیست.

پایان‌نامه "بررسی مقایسه ای جریان سیال ذهن در رمان های "خشم و هیاهو" اثر ویلیام فاکنر و "شازده احتجاب" اثر هوشنگ گلشیری با بکارگیری تکنیک جریان سیال ذهن. فاطمه مرتضوی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان. 1393. این پایان نامه به بررسی تکنیک

نوشتاری جریان سیال ذهن با بکارگرفتن تئوری ذهن ویلیام جیمز می‌پردازد و مشخصاً کاربست عنصر زمان در این رمان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله "دراسة مقارنة فی تیار الوعي بین روایتی «ما تبقى لكم» لغسان کنفانی و «شازده احتجاب» لهوشنک کلشیری". حسن اعظمی خویرد و همکاران. مجلة ادب عربی، 1398. این اثر خود جرقه‌ای در ذهن پژوهشگران اثر حاضر ایجاد کرد. توفیق قابل توجه این اثر در پرداخت مناسب و روشمند موضوع است که به طور خاص در بررسی مقایسه‌ای دو رمان فارسی و عربی ویژگی‌های داستان سیال ذهنی را به خوبی استخراج کرده اما بنیان نظری در بررسی تطبیقی همچنان مغفول مانده است.

نیز در جهان عرب آثار ارزشمند ولی انگشت‌شماری به طور خاص بررسی دو رمان مورد مطالعه را در کانون پژوهش خود قرار داده‌اند. که در موضوع و روش پرداخت با هم همپوشانی دارند و کاستی عمده آنها عدم بررسی روش‌شناختی و نظریه‌بنیاد است. از مهمترین این آثار عبارتند از:

مقاله‌ای با عنوان "دراسة مقارنة بین رواية ماتبقى لكم لغسان کنفانی و رواية الصخب والعنف لولیم فوکنر". عبدالجلیل ت. 19 دسامبر 2016م در سایت الکترونیکی زیر نمایه شده است:

[https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post\\_44.htm](https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post_44.htm)

مقاله مزبور اگرچه از لحاظ عنوان تا حدودی با پژوهش ما مشابهت دارد و تا حدودی جانب‌امانت در آن رعایت شده اما -از همان حد تحلیل سطحی و خلط موضوعی فراتر نرفته و بسیار گذرا به مقالات و تحلیل‌های غیر روشمند قبلی نوک زده است از قبیل: رضوی عاشور در (الطریق الی الخیمة الاخری، دراسة فی اعمال غسان کنفانی. 1981)، یوسف سامی یوسف در (غسان کنفانی؛ رعشة المأساة. 1985م)، فیصل درّاج در (دلالات العلاقة الروائیة، 1992م) و المصطفی عمرانی در (مناهج الدراسات السردیة وإشکالیة التلقی روایات غسان کنفانی نموذجاً، 2011م).

مطالعات پیشین اگر چه در پرداختن به کلیت موضوع توفیقی نسبی حاصل کرده اند اما می‌توانند به خودی خود پاسخی به پرسش نخست پژوهش بلکه گواه روشنی باشد برای اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر که اغلب مطالعات پیشین اعم از تک بعدی یا تطبیقی، همچنان دو ضعف عمده عدم روش‌مندی و فقدان بنیان نظری و رویکرد مشخص در تحلیل مقایسه‌ای رنج می‌برند و بر این امر صحنه می‌گذارد که مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی برای مقایسه روشمند آثار مورد مطالعه مناسب‌تر است.

## 1-3- مبنای نظری پژوهش

بنیان نظری پژوهش حاضر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی است که برخلاف مکتب فرانسه، معتقد است برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست؛ بدین مفهوم که بدون اینکه ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز، می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (Kafafi, 1971, p. 14) (کفافی، 1971: 14). مکتب آمریکایی به بررسی‌های فراتاریخی و بهره‌گیری از روش‌های فرازمانی می‌پردازد. «به عبارت دیگر رویکرد مقایسه‌ای آمریکا، با استفاده از مؤلفه‌های نوینش به کاوش در حوزه نقد جدید و بیان وجوه تفاوت و تشابه میان ابزارهای بیانی آثار ادبی می‌پردازد» (Alloush, 1987, p. 5) (علوش، 1987: 5). از رهگذر این پژوهش، ویژگی‌های ساختاری-سبکی و محتوایی دو رمان و وجوه تشابه و تفاوت میان آنها واکاوی می‌شود و در مقام بررسی رویکرد و روش مطالعه تطبیقی مکتب آمریکایی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

## 2. بحث و بررسی

هر بررسی‌ای اگر به شکلی روش‌مند صورت گیرد هم از تکرار نسنجیده برخی عبارات کلیشه‌ای در سراسر مقاله- به عنوان یک معضل همه‌گیر- ممانعت به عمل خواهد آمد و هم پژوهشگران بعدی وقتی با یک پژوهش روش‌مند مواجه شوند، درک درستی از مطالعات تطبیقی از این دست پیدا خواهند کرد. پژوهشگران با چنین رویکردی تطبیقی دو اثر مورد مطالعه را نخست در دو دسته مطالعه روش‌شناسی محتوایی و ساختاری-سبکی بررسی می‌کنند. سرانجام وجوه تشابه و تفاوت را بر بنیان نظری مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی بررسی و در پایان نتایج حاصل را تبیین می‌کند. بنابراین بدنه اصلی تحقیق در پژوهش پیش رو به قرار ذیل خواهد بود.

## 1-2. روش‌شناسی مطالعه تطبیقی ماتیقی لکم و خشم و هیاهو

روش‌شناسی در امور پژوهش یک رویکرد پژوهشی است که برای مطالعه ابعاد مشخصی از پدیده مورد مطالعه به کار می‌رود. "عواملی نظیر فلسفه پژوهشگر، نظریه برانگیزنده پژوهش و عوامل عینی نظیر موقعیت‌هایی که پژوهش تحت آن انجام می‌شود و مسأله مورد بررسی روش‌شناسی پژوهش را تعیین می‌کند"

(W. Sliger, 1378, p. 24) (دبلیوسلیجر و شوهای، 1378: 24) بنابراین استواری پژوهش بر بنیان نظری مشخص، عاملی تعیین‌کننده در بیان اصالت یک بررسی روش‌مند به شمار می‌آید. موضوعی که در مطالعات پیشین انجام شده درباره آثار مورد مطالعه تنها در یک مورد آن هم به صورت تک بُعدی در مقاله صاعدی (رک. به: پیشینه تحقیق) بدان توجه شده است.



## 1-1-2. روش‌شناسی مطالعه محتوایی ماتبقی لکم و خشم و هیاهو

## 1-1-1-2. « ما تبقي لکم »

کنفانی در سال 1964 رمان *ما تبقي لکم* را نگاشت و با انتشار آن به مدال افتخار در حوزه ادبیات لبنان دست یافت. از لحاظ محتوایی این رمان تقریباً فروپاشی کامل خانواده را به خاطر جنگ روایت می‌کند. با فروپاشی خانواده، ارزش‌ها زیر پا گذاشته می‌شود و پیوندهای خانوادگی از هم می‌گسلد. به دنبال آن، «مریم» شرافت و آبرویش را از دست می‌دهد. سپس با مرد بسیار پستی ازدواج می‌کند. حامد برادر مریم هم پس از حامله شدن خواهر توسط زکریای پست و خیانت‌کار و ازدواج کراهت‌آمیز مریم با او از ننگ و خجالت، گریزان سر به بیابان می‌زند. در این رمان کنفانی نه تنها شخصیت‌های جاندار بلکه بی‌جان نیز خویشکاری خاصی دارند مثلاً خویشکاری بیابان این است که به سرزمین یا میدانی برای نبرد تن به تن بدل گردیده است. دشنه یا خنجر نیز دو کارکرد خاصی در موقعیتهای متفاوت می‌یابد. در دست و دشمن مسلح او، بر فراز ماسه‌زار بیابان با هم رو در رو می‌شوند تیغه تیز دشنه حامد، در پیش چشمان دشمن اسرائیلی برق زده و او را سقط می‌کند و به طور هم‌زمان ولی در فاصله مکانی دورتر، دشنه خواهر در تن شوهر خیانت‌کارش فرو می‌رود (وادی، 1981: 46-47) (Wadi, 1981, pp. 46-47).

درونی‌مایه تراژیک رمان به گونه‌ای پردازش شده که برخی به خاطرش "کنفانی را نخستین نویسنده فلسطینی بلکه عربی نامیده‌اند که توانسته فاجعه فلسطین را با همه ابعاد تراژیکش به حوزه رمان بکشانند" (Al-Yousef, 1976, p. 46) (الیوسف، 1976م: 46). دیگری نیز از نظر تاریخی "ما تبقي لکم" را بسیار حائز اهمیت دانسته‌اند، زیرا در فاصله زمانی میان دو رخداد مهم انقلاب (1965) فلسطین و جنگ شش روزه (1967) منتشر شده است و این برهه زمانی، نقطه عطفی و دورنمایی نو از تاریخ ملت فلسطین پس از 1967 قلمداد می‌گردد (Beydoun, 1995, p. 87) (بیضون، 1995: 87). این توصیف‌ها گواه ارزش محتوایی رمان نزد صاحب نظران حوزه ادبیات فلسطین است که بنه تنها در خاطره تاریخی فلسطینی‌ها بلکه در ذهن همه عرب‌ها نهادینه شده است.

## 2-1-1-2. خشم و هیاهو

ویلیام فاکنر در «خشم و هیاهو» داستان زوال زندگی «کامپسن» را از سال ۱۸۹۸ تا سال ۱۹۲۸ نشان می‌دهد. این رمان پر رمز و راز، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را در کنار شاهکارهای ادبیات جهان قرار می‌دهد.

از لحاظ محتوایی فاکنر «خشم و هیاهو» را به صورت داستانی بدون طرح شروع می‌کند، بر پایه تصویرش از کودکان خانواده‌ای در روز مراسم تدفین مادر بزرگشان، یا بر پایه تصویری ذهنی‌اش از خشتک گل‌آلود دخترکی که بالای درخت گلابی رفته بوده و از آنجا از

میان پنجره، مراسم تدفین مادر بزرگش را می‌توانسته ببیند و آن را برای برادرانش که پایین درخت ایستاده بوده، اند بیان کند. وقتی فاکنر توضیح می‌دهد این کودکان که بوده‌اند و چه می‌کرده‌اند و چگونه شلوار دخترک، گل آلود شده بوده، متوجه می‌شود که این همه را نمی‌توان در داستان کوتاهی آورد. (این است که بنا می‌کند به نقل داستان از دید کودک ابله خانواده. «چون فکر می‌کند که گفتن داستان، از دید کسی که تنها به چگونگی وقوع اجرا آگاه است و از چرایی آن خبر ندارد، مؤثرتر است و لی احساس می‌کند که تمام داستان را نگفته است. سعی می‌کند که داستان را بازگوید، منتها این بار از دید برادر دوم. باز می‌بیند که تمام داستان را نگفته و برای بار سوم داستان را از دید برادر سوم باز می‌گوید. باز می‌بیند که تمام داستان را نگفته است و این بار داستان را از دید دانای کل باز می‌گوید. پانزده سال بعد هم ضمیمه‌ای به رمان می‌افزاید و شرح حال شخصیت‌های اصلی را به دست می‌دهد» (Najafi, 1350, pp. 14-16) (نجفی، 1350: 14-16).

«اسم دخترک کندیس (کدی) و نام سه برادرش: موری (که بعداً به بنجامین مخفف آن بنجی، تغییر نام می‌دهد)، کونتن و جیسن است که فرزندان آقا و خانم کامپسن‌اند. نام مادر بزرگ هم دومادی است. البته فاکنر مشخص نمی‌کند که دومادی مادر بزرگ یعنی مادر آقا یا خانم کامپسن است. در سه بخش نخست، داستان تراژیک کدی و تأثیر آن بر زندگی سه برادرش از طریق ذهن آنها نموده می‌شود و در بخش آخر هم داستان دیلسی (کلفت سیاه‌پوست دودمان کامپسن)، ضمن نمایش پایداری او و زوال دومان کامپسن، گفته می‌شود. یادآوری‌های بنجی در بخش نخست رمان در روز هفتم آوریل 1928 جزئیات اساسی اوان کودکی و بلوغ فرزندان آقا و خانم کامپسن را ارائه می‌کند. ذهن کونتن در بخش دوم در روز خودکشی دوم ژوئیه 1910 روی رویدادهای تابستان 1909 چرخ می‌خورد. در بخش سوم هم جیسن تنها یک حادثه را پیش از مراسم تدفین آقای کامپسن در 1912 به یاد می‌آورد. این حادثه مربوط به زمانی است که خانم کامپسن به دلیل آنکه کدی پسری را می‌بوسد عزادار می‌شود. منتها باید توجه داشت که «خشم و هیاهو» داستان دودمان کامپسن است و داستانی که از 1898، روز مرگ دومادی، شروع می‌شود و تا فرار دختر کدی از خانه کامپسن در 1928 بسط می‌یابد.

## 2-1-2. روش‌شناسی مطالعه ساختاری-سبکی ماتبقی لکم و خشم و هیاهو

### 2-1-2-1. «ماتبقی لکم»

از لحاظ سبک روایی این رمان در شمار نخستین رمان‌های عربی است که از تکنیک‌های رمان مدرن غربی به ویژه سبک جریان سیال ذهن استفاده کرده است. کنفانی در آخرین مصاحبه تلویزیونی اش به رگه‌های تأثیر پذیری از رمان فاکنر و نه تقلیدی صرف اشاره کرده است. هرچند کوشیده است "تا از ابزارهای زیباشناختی و دستاورهای هنری‌ای الهام گیرد که فاکنر برای پیشرفت ادبیات غرب به ارمغان آورده است و او نیز از این رهگذر برای پیشرفت

ادبیات عرب و رمان فلسطینی طرحی نو در اندازد" (عاشور، 1977: 82-86) (Ashour, 1977, pp. 82-86).

نیز از لحاظ سبک نوشتاری نکته قابل توجه اینکه با دگرگونی هر یک از عناصر زمان، مکان و شخصیت، مؤلف با تغییر حجم و اندازه حروف (یک بار سیاه پر رنگ و دیگر بار رنگ معمولی)، بین دو سطح روایی تفکیک قائل می‌شود، تا شاید از آشفتگی درونی اش کاسته شود. گویا وی با بهره‌گیری از آزموده‌های پیشینش این کار را تنها راه حل مناسب می‌داند (Wadi, 1981, p. 75) (وادی، 1981: 75).

کنفانی خود نیز در مقدمه رمان به چنین دوگانگی ای اعتراف کرده است: «البته تغییر شکل حروف در نوشتار رمان مانع بزرگی برای تحقق فرایند تحول زمانی و گام نهادن به مرحله پیشرفته‌تر و بعدی رمان‌نویسی به شمار می‌رفت که ناگزیر می‌بایست به طور ناآگاهانه و بدون اشاره پیشین صورت گیرد. اما این کار در حقیقت با هدف نظم‌بخشی به جهانی بی‌نظم انجام شده است و بنا به تجربه‌های پیشین، از انتخاب چنین اسلوبی در نگارش رمان ناگزیر بوده‌ام» (Kanafani, 2009, p. 159) (کنفانی، 2009: 159). بنابراین از لحاظ سبک نوشتاری نوعی حالت ناسازگاری در شیوه نگارش حروف و واژگان به خوبی قابل مشاهده است

همچنین این رمان «مصدق بارزی از نوع ادبیات داستانی «امپرسیونیستی» قلمداد گردیده است» (Saedi, 1392, pp. 170-174) (صاعدی، 1392: 147-170). از لحاظ زاویه دید، قسمت عمده این رمان از زاویه دید اول شخص و با تکنیک تک‌گویی درونی روایت می‌شود به طوری که گفتمان روایی آن بیشتر صیغه گفت وگویی درونی به خود گرفته است؛ زیرا نویسنده در این رمان با در آمیختن دو تکنیک تک‌گویی درونی و تداعی آزاد، دغدغه‌های درونی و برداشت‌های ذهنی شخصیت‌های داستان را در متن رمان وارد کرده است و از این رهگذر روایتی آشفته و نامتوالی و تهی از نظم روابط علی و معلولی را به نمایش گذاشته است. بنابراین می‌توان آن را از بهترین نمونه‌های رمان جریان سیال ذهن در جهان عرب قلمداد کرد.

## 2-1-1-2. «خشم و هیاو»

«فاکتر در گفت وگوهای متفاوت به نحوه شروع این رمان اشاره می‌کند، ولی هیچگاه مشخص نمی‌کند که چه وقت به فکر نوشتن آن می‌افتد» (Hosseini, 1369, p. 293) (حسینی، 1369: 293).

از لحاظ ساختاری، از برجستگی‌های این رمان تنوع شخصیت‌ها است. "شخصیت یک عنصر مهم در ساختار رمان است، زیرا واقعیت را از طریق حرکت در میان واقعیت‌های دیگر به تصویر می‌کشد و از عناصر اصلی که کارکردهای روایت را ترسیم می‌کند، محسوب می‌شود" (یوسف، 2019: 313)، (Yoosuf, 2019, p. 313). شخصیت‌های داستان در این

رمان، از لحاظ ویژگی‌ها متفاوت‌اند و همین تفاوت‌ها، تنوع سبک روایی در رمان را در پی داشته و به این صورت قابل توصیف است: بنجی، آدمی کودن و کم‌حواس است. همچنین «او لال است و احساس خود را تنها با نالیدن بیان می‌کند. فعالیت ذهنی‌اش محدود به خاطره است. واکنشی شدید به تحریکات شنوایی و بویایی دارد. آمدن شب را می‌شنود، صدای باران و آتش و پشت بام را می‌شنود، خواهرش بوی درخت می‌دهد. اما جیسن ظاهراً عاقل و منطقی به نظر می‌رسد و از این رو می‌خواهد با خواننده ارتباط برقرار کند». کونتین هم پسری درونگرا و حساس است. حس زمانی شدیدی دارد. مرتب به داوری می‌پردازد و برای رویدادها علت و معلول می‌یابد. ذهنش ملامت از اشارات و تصاویر و رمزها و تداعی‌های گوناگون است (Hosseini, 1372, pp. 39-59) (حسینی، 1372: 39-59). همین تفاوت‌های شخصیتی باعث شده است تا ما در این رمان شیوه‌های روایی گوناگونی را شاهد باشیم.

در بخش نخست رمان راوی (بنجی) «چون ابلهی بیش نیست، توان داوری کردن و درک رابطه رویدادها و علت و معلول را ندارد و زمان را حس نمی‌کند. دنیای او سه مرحله دارد: 1. دنیای کودکی (از سه تا 13 سالگی) که دنیایش، دنیای نظم است و به رغم از دست دادن مادر بزرگ و تغییر نامش از موری به بنجامین، خواهرش کدی این نظم را نگه می‌دارد. 2. دنیای بلوغ است که خود مشتمل بر دو مرحله است: از 13 سالگی تا شوهر کردن خواهرش کدی. از 1910 تا زمان حال (1928). با شروع این مرحله، دگرگونی‌هایی در دنیای بنجی روی می‌دهد. 3. دنیای بنجی کاملاً از هم گسیخته می‌شود. کدی بکارتش را از دست می‌دهد. کونتین خودکشی می‌کند و پدر خانواده می‌میرد (Hosseini, 1372, pp. 39-59) (حسینی، 1372: 39-59).

سبک نوشتاری فاکنر این سه مرحله را به خوبی به سه شیوه مختلف نقطه‌گذاری نشان می‌دهد. در مرحله نخست شیوه نقطه‌گذاری همان شیوه معمول است که روال منطقی و منظم دارد و نقل و قول بین «» قرار می‌گیرد. در مرحله دوم شیوه نقطه‌گذاری نیمه منظم و نیمه آشفته است و در نهایت مرحله سوم که کاملاً آشفته است و فاکنر برای نشان دادن گسیختگی ذهنی بنجی از نقطه (.) استفاده می‌کند.

در بخش دوم رمان راوی (کونتین) چون هوشمند است، ذهنش به سرعت از يك اندیشه به اندیشه‌ای دیگر حرکت می‌کند و همراه آن اشارات و یادها در عرصه ضمیرش جان می‌گیرند. تفکراتش نیز انتزاعی و رمزی است. به همین جهت در این بخش افکار و یادها و تداعی‌های کونتین از بس در هم آمیخته است، شیوه روایت به گونه‌ای است که گاهی در چندین صفحه جملات بدون علامت نقطه‌گذاری پشت سر هم می‌آیند. چه بسا پیش می‌آید که کونتین جمله‌ای را نیمه تمام می‌گذارد و ذهنش به خاطره‌ای دیگر می‌رود و باز ذهنش به سراغ جمله ناتمام می‌رود و دوباره این روند از سر گرفته می‌شود. تمام این گزاره‌های ذهنی با حروف چاپی ریز در متن رمان مشخص شده است.

سرانجام در دو بخش آخر رمان (سوم و چهارم) برخلاف بخش دوم که به شدت، فردي و خصوصي بود، چون راوي (جيسن) سعي دارد با خواننده ارتباط برقرار کند، در اين بخش، زبان تنها در نقش ارتباط و تفهيم و تفاهم به کار برده مي‌شود و از هرگونه بيان سمبليک و استعاري عاري است. تعابير جيسن مبتدل، مطايبه‌آمیز، نيش‌دار و مغرضانه و به نوعی گفتاري عاميانه است. با عباراتي چون «من مي‌گويم» «همانطور که گفته‌ام» ظاهراً شنونده يا شنوندگاني فرضی را مخاطب خودش قرار می‌دهد. به همین خاطر تقريباً شيوه روايت تمام صحنه‌ها در بخش سوم محدود به زمان حال (6 آوريل 1928) است. بخش چهارم باشيوه‌اي متفاوت يعني از ديده‌گاه داناي کل، روايت مي‌شود. (Hosseini, 1372, pp. 39-59) (حسيني، 1372: 39-59).

مجموع بخش‌های رمان و رخدادها و سبک روايتگری و نوشتار خشم و هياهو، به مخاطب می‌آموزد که رمان، روايت، ديالوگ و شخصيت‌ها مي‌توانند کارکردها و ويژگي‌هايي و راي تعاريف معمول خود داشته باشند و فاکنر در اين رمان اين ويژگي‌هاي تازه را به‌کار بسته است و آنها را به خواننده معرفي مي‌کند. در عين حال، «خشم و هياهو» اوج سبکي است که در ادبيات امروز به «سبک فاکنر» معروف است.

### 3-مقایسه ماتبقي لکم و خشم و هياهو از منظر مکتب آمريکايي

در مکتب آمريکايي ادبيات تطبيقي هدف و غايت بررسي جهانشمولي پديده يا اثر ادبي بدون توجه به موانع سياسي، محدوديت‌های زبانی و مرزهای جغرافيايي است (Alloush, 1987, p. 94) (علوش، 1987: 94) حال باتوجه به ماهيت جهاني و فرامرزی دو رمان ماتبقي لکم و خشم و هياهو در اينجا به ذکر وجوه تشابه و تفاوت های آنها بر اساس رويکرد آمريکايي پرداخته می‌شود.

#### 3-1. شباهت‌هاي «ما تبقي لکم» کنفاني و «خشم و هياهو» ي فاکنر

جنبه‌هاي مشابهت دو رمان به مقتضای بررسي روشمند و نظريه بنياد در دو سطح استخراج و تبیین می‌گردد:

#### 3-1-1. شباهت‌های محتوایی

- هر دو رمان، تقريباً فروپاشي کامل خانواده و به تبع آن فراموشي ارزش‌ها به خاطر جنگ و بی‌آبرویی را روايت مي‌کند. «کدي» در رمان «خشم و هياهو» و «مریم» در «ما تبقي لکم» حيثيتشان لکه‌دار می‌شود. سپس هر دو با مردان بسيار پستي ازدواج مي‌کنند. خصوصيات همسر کدي، ويژگي‌هاي زکريا؛ همسر مریم را فراياد می‌آورد.

- هردو نویسنده به طور گذرا، به برخی از ویژگی‌های زندگی‌نامه فردی و نیز بحران‌های تاریخی‌ای اشاره کرده‌اند که در زندگی‌شان با آن روبه رو شده‌اند. لذا بازتاب این بحران‌ها بر زندگی فردی‌شان، در نهایت بازتاب زندگی هم‌میهنان‌شان است.

### 3-1-2. شباهت‌های ساختاری - سبکی

- هر دو رمان، صبغة سبک جریان سیال ذهنی دارد و هر دو نویسنده در عین اعتراف به دشواری این سبک، مایل‌اند با مخاطب در ورود به چنین جهانی آشفته هم‌داستان شوند. مثلاً فاکنر تعلیقی به رمانش می‌افزاید و در آن از رویدادها و شخصیت‌های داستان سخن می‌گوید. در مورد «کونتین» می‌گوید: «او نه فقط عاشق تن‌خواهرش بود بلکه شبفته شرافتی بود که کدی آن را لکه دار کرد» (Hosseini, 1372, p. 27) (حسینی، 1372: 27). کنفانی هم مقدمه‌ای می‌نویسد که در آن شیوه شخصیت‌پردازی خود را در رمان (ما تبقي لکم) توضیح می‌دهد. «پنج شخصیت رمان کنفانی گاهی آن چنان به هم نزدیک می‌شوند که در مجموع تنها دو خط به وجود می‌آورد که این درهم‌آمیختگی شامل زمان و مکان نیز می‌باشد. به گونه‌ای که هیچ تفاوتی میان مکان‌های دور و زمان‌های نزدیک احساس نمی‌شود. (Kanafani, 2009, p. 159) (کنفانی، 2009: 159).

- کنفانی به منظور تفکیک میان دنیای آشفته شخصیت‌ها کوشیده تا رنگ حروف را به هنگام کولاژ روایی (انتقال مکان، زمان و شخصیت) عوض کند (Wadi, 1981, p. 75) (وادی، 1981: 75). فاکنر نیز با عوض شدن لحظه‌های برخورد و آمیختگی (انتقال زمان، مکان و شخصیت)، شکل یا اندازه حروف را (از فونت معمولی به شکسته یا ایتالیک) تغییر می‌دهد (Hosseini, 1372, p. 40) (حسینی، 1372: 40).

- در هر دو رمان، مجموعه روابط لفظی میان حوادث تداعی‌کننده ارتباط برقرار می‌سازد. از جمله:

أ) جمله اسمیه یا فعلیه: به طور مثال، کنفانی تک‌گویی درونی را با این جمله حامد خطاب به صحرا، به پایان می‌برد: «در آنجا جز تو، کسی برای من باقی نماند» (Kanafani, 2009, p. 170) (کنفانی، 2009: 170). پس از این جمله، تک‌گویی درونی مریم، با جمله‌ای مشابه، آغاز می‌گردد که گویی ادامه همان سخن پیشین است و در آن ضمیر مخاطب را تغییر می‌دهد - ضمیر مؤنث مخاطب نزد حامد و مذکر مخاطب نزد مریم هنگام خطاب قرار دادن جنین- و می‌گوید: «در اینجا جز تو، کسی برای من باقی نمانده است» (Kanafani, 2009, p. 170) (کنفانی، 2009: 170).

. همین نکته را نیز فاکنر قبلاً آورده است؛ زیرا میان دو تک‌گویی درونی و در دو فضای زمانی متفاوت - که در ژرفای شخصیت بنجی جریان دارد- با جمله «پس می‌خزید از توی در...» (حسینی، 1369: 76) (Hosseini, 1369, p. 76) ارتباط برقرار می‌سازد.

(ب) گاهی عامل پیوند لفظی «اسم» است. در «ما تَبَقِّي لکم»، مریم در غزه، درباره خاله‌اش سخن می‌گوید. سپس حامد نیز تک‌گویی درونی خود را در بیابان با سخن گفتن درباره خاله‌اش، ادامه می‌دهد (Kanafani, 2009, p. 174) (کنفانی، 2009: 174). فاکنر در به کارگیری این عامل پیوند، بر کنفانی پیشی گرفته است؛ زیرا در جریان سیال ذهن- بنجی، اسم «دربان» را می‌بینیم- که میان دو زمان مختلف کودکی و جوانی ارتباط برقرار می‌سازد. در 30 سالگی می‌گوید: «از کنار نرده چوبی به طرف دروازه رقتم» (فاکنر، 1369: 50) (Faulkner, 1369, p. 50). سپس سخن 20 سال پیش خدمتکار تی. پی. را به یاد می‌آورد که گفت: «نیگا کردن از لای دروازه که افاقه‌ای ندارد. کدی خانوم رفته دور دورا» (فاکنر، 1369: 50) (Faulkner, 1369, p. 50).

- زبان هر دو رمان شاعرانه است. تجلی‌گاه زبان شعری، نزد فاکنر به طور خاص، زمان سخن گفتن درباره کونتین؛ جوان روشن‌فکر است که بلندپروازی‌ها، قرائش را گرفته است. اما در «ما تَبَقِّي لکم» زبان، همان زبان دو شخصیت اصلی و زبان بیابان است. مثلاً وقتی حامد تصمیم می‌گیرد که خواهرش مریم را ترک گوید و به سوی مادرش بازگردد، با این جمله الهام‌بخش روبه رو می‌شویم «لبخندی زد و دهان به خون آغشته‌اش با زخمی خون‌آلود آشکار گشت و ناگهان زیر بینی‌اش شکافته شد» (کنفانی، 2009: 165) (Kanafani, 2009, p. 165). این تصویر شاعرانه، مفاهیم درد و رنج را در عمیق‌ترین حالتش القا می‌کند.

- تأثیرپذیری قهرمان داستان از زمان، حوادث داستان و نظامی از ارزش‌ها در دو رمان به شکل متجلی است. هر دو قهرمان (حامد و کونتین) دلخوش و وابسته‌اند به آن اندیشه شرافتمندی که خواهر در هر دو رمان از دست داده است.

- در هر دو رمان هم شخصیت‌های جاندار و هم بی جان دارای خویشکاری هستند. «کونتین» و «حامد» هر دو نفر، فرهنگی والا، احساسی لطیف نسبت به آرمان‌های والا و به ویژه آبرومندی و بزرگمنشی دارند. بلکه در داشتن حس زمان مشترک هستند. از این رو هر دو نسبت به زمان بدبین‌اند. زمان از دیدگاه کونتین در حکم کابوسی ذهنی است؛ پنهان در عقربه‌های ساعت و پترین مغازه ساعت فروشی که می‌خواهد از آن بگریزد «بیرون رقتم و در را بر روی تیک تاک بستم»، «عقربه‌ها کشیده شده بود و... همه چیزهایی که روزی حسرتش را می‌خوردم از آن من بود» (حسینی، 1369: 311 و 312) (Hosseini, 1369, pp. 311-312). همچنین در نگاه حامد، همچون تابوت است «لقد منحتني هذا النعش، علقته أمامي، كي ادفنك فيه، ... هذا النعش الصغير سيحتوينا جميعاً» (کنفانی، 2009: 211) (Kanafani, 2009, p. 211) اینگونه هر دو به خاطر میل به سرکشی در برابر ضرب‌آهنگ ناموزون ساعت - کونتین پیش از خودکشی و «حامد» پیش از گلاویز شدنش با دشمن- از آن گریزانند.

- هر دو رمان از جهان غیر واقعی و رمانتیک فاصله گرفته و از رهگذر ترسیم نبرد تن به تن میان شخصیت‌های داستان، ساختاری رئالیستی به خود گرفته است.

## 2-3. تفاوت‌های «ماتبقي لکم» و «خشم و هياهو»

تفاوت‌های دو رمان در دو سطح محتوایی و ساختاری-سبکی به شکل زیر تبیین می‌گردد:

## 1-2-3. تفاوت‌های محتوایی

- نخستین وجه تفاوت محتوایی در عنوان دو رمان است؛ زیرا فاکنر عنوان رمان خویش را از یک پرده در نمایشنامه مکبث اثر شکسپیر برگرفته است که بر بی‌ارزشی حیات بشری تأکید دارد و سرانجامش «خشم و هياهو» و سپس مرگ است. اما عنوان رمان کنفانی، برگرفته از دغدغه فلسطینی است که نویسنده، هر روز با آن زندگی می‌کند. از این رو؛ با بیان عبارت «ما تبقي لکم»؛ زنگ هشدار را به صدا در می‌آورد که ای ملت فلسطین! بعد از تباهی میهن و بی‌آبرویی، چیزی جز واقعیتی دردناک که بر پایه سلسله‌ای از زیانمندی‌ها بنا شده است، برایتان باقی نمی‌ماند.

- دیگر تفاوت محتوایی اینکه دغدغه همگانی شخصیت کنفانی، در تداعی‌های ذهن و زبان شخصیت به وضوح نمایان است. طوری که مخاطب احساس می‌کند این دغدغه به یک دغدغه فردی برای شخصیت تبدیل شده است. اما شخصیت داستانی «فاکنر» دغدغه مخفی و درونی دارد.

- کنفانی بسیار مشتاق است تا روح خوش‌بینی را بر رمانش حکم‌فرما کند و از این طریق رمانش نوعی هنجارگریزی معنایی را تجربه می‌کند. در این رمان، نگاه خوش‌بینانه فرد مبارز به پیروزی بر دشمن خارجی و دشمن خودی قابل درک است و راز نگهداری مریم از جنین نیز همین است. او هرکس را که خواهان مرگ نوزادش است یا در پی خدشه‌دار کردن آبرو و آلوده ساختن اوست، به قتل می‌رساند ولی فاکنر نسبت به این ویژگی رمان روان‌شناختی مدرن یعنی همان روح بدبینی، همچنان امانت‌دار بوده و روح بدبینی و ناکامی بر رمانش حکم فرماست. مثلاً صدای دیلسی؛ آن خدمتکار زن را می‌شنویم که ما را از پایان تراژیک آگاه می‌سازد و خبر می‌دهد که او آغاز و انجام این خانواده را دیده است. به اندازه‌ای وضعیت مالی این خانواده نابسامان است که به خاطر آن، یک خانه‌بزرگ فروخته می‌شود تا به اقامت‌گاهی کوچک بدل گردد. اینگونه چوب حراج به همه آرمان‌های والا زده و احساس امنیت زندگی در یک خانه‌بزرگ و نه یک اقامتگاه کوچک از شخصیت سلب می‌گردد.

## 2-2-3. تفاوت‌های ساختاری-سبکی

سبک کنفانی در به کارگیری جریان سیال ذهن خلاقانه و با سبک فاکنر تفاوت‌هایی دارد:



- فاکنر جریان سیال ذهن شخصیت‌ها را در چهار فصل ارائه داده و برای هر یک (بنجی، کوننن، جیسن، دیلسی) فصلی جداگانه ترتیب داده است. اما کنفانی جریان سیال ذهن شخصیت‌ها را با هم درآمیخته و آن را در یک فصل گنجانده است.

- در رمان کنفانی، یکپارچگی دو شخصیت، با تک‌گویی درونی واحدی که برای هر دو شخصیت- حامد و مریم- در یک زمان ولی در مکان‌های مختلف - صحرا و غزه- رخ داده، به نقطهٔ اوج خود می‌رسد؛ زیرا در این تک‌گویی درونی، دشمن، پیش از این که ابزاری برای کشتن شود، کارکرد دیگری دارد و آن این‌که «این دشمن با تیغ‌های بلند و درخشان در برابر دیدگانم درخشید» (کنفانی، 1986: 230) (Kanafani, 1986, p. 230). هر دو شخصیت با ابزار واحد -دشمن- با دشمن خویش رو در رو شدند و شاید خود این امر پیوستگی دو شخصیت را تحکیم بخشد. به ویژه این که شکوفایی ذهن حامد با نقطهٔ شکوفایی ذهن مریم هم زمان بود. از این رو اقدام انقلابی در یک لحظه، اما در مکان مختلفی صورت می‌پذیرد. اما در رمان فاکنر چنین کاریستی به وضوح مطرح نشده است.

- کنفانی در عینیت بخشی به عنصر زمان و مکان خلّاق بوده است. او سرزمین/بیابان را به شکل انسانی ترسیم کرده که صدایش را می‌شنویم. این وحدت انداموار میان انسان و سرزمین، برای ما چشم‌نواز است. ساعتی هم که حامد آن را به خواهرش داد و تا پیش از رویارویی با دشمن، شبیه یک تابوت بود، پس از رویارویی به یک انسان بدل گردیده است. «از این رو؛ وزین و باوقار به نظر رسید. گویا می‌خواهد خبر ترسناکی را به گوش جماعتی برساند که در برابر عظمتش، زبان به کام در کشیده‌اند» (Kanafani, 1986, p. 202) (کنفانی، 1986: 202). اما «در خشم و هیاهو، نومیدی فاکنر مقدم بر فلسفه اوست. برای او زمان آینده مسدود است. زمان حال فاکنر ذاتاً مصیبت‌بار است. در واری این زمان حال، چیزی نیست، چون آینده‌ای وجود ندارد. از ناکجا آبادی سر بر می‌آورد. زمان گذشته نیز فردی‌تر و نامشخص‌تر است (سارتر، 1350: 18-19) (Sartre, 1350, pp. 18-19).

- عنصر پیرنگ در بخش نخست هر دو رمان از نوع باز است. اما در واپسین بخش رمان «ما تبقی لکم» به پیرنگ بسته تغییر شکل می‌دهد؛ زیرا در یک آن، وضعیت بحرانی می‌شود. زکریا در غزه مریم را تهدید به طلاق می‌کند. او نیز تصمیم می‌گیرد که زکریا را بکشد. حامد هم صدای ماشین دشمن را می‌شنود. آن گاه درصدد بر می‌آید که سرباز اسرائیلی را در بیابان به قتل برساند.

- نحوهٔ تأثیرپذیری قهرمان داستان از زمان، حوادث داستان و مجموعه ارزش‌ها در دو رمان به شکل متفاوتی متجلی است. در رمان کنفانی، قهرمان اصلی (حامد) عاشق میهن است و نمی‌تواند از آن بگریزد و از رفتن به اردن برای ملحق شدن به مادر منصرف می‌شود. او با مادر واقعی‌اش -سرزمین- دیدار می‌کند و در [آغوش] آن آرام می‌گیرد و سپس با دشمن می‌ستیزد و سرانجام نه به مرگ بلکه به زندگی شرافتمندانه‌ای می‌انجامد، که تنها از رهگذر

رویارویی با دشمن، میسر خواهد شد. اما در رمان فاکنر (کونتین) نومیدانه و بحران زده، آرزوی مرگ می‌کند و اندیشه پوچی و بیهودگی زمان، بر او چیره می‌گردد. از این رو پس از آن که پیوندش با هر انسانی یا هر آرمان و الایی که امکان دارد انسان به خاطر آن، زندگی کند، از هم می‌گسلد؛ خودکشی را تنها راه نجات خویش می‌پندارد. اما ولی فرار بی‌خودی کونتین، به مرگ رایگان وی می‌انجامد که الهامبخش فروماندگی از رویارویی با مشکلات زندگی است.

- شخصیت زن نزد فاکنر صدای خاصی ندارد؛ اما صدای شخصیت زن رمان غسان را در امتداد صدای مرد می‌شنویم. همچنین شخصیت زن (مریم) در رمان کنفانی، هر چند دچار اشتباه می‌شود؛ ولی نامش در بردارنده دلالت نام مریم مقدس است. اما شخصیت زن (کدی) در رمان فاکنر، میل به بی‌بند و باری و رابطه جنسی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت دارد و همچون زنان بدکاره زندگی می‌کند.

### جمع‌بندی نهایی

بررسی روش‌شناسی محتوایی و ساختاری- سبکی دو رمان ماتبئی لکم و خشم و هیاهو بر بنیان مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به خوبی نشان داد که باتوجه به ویژگی فرامرزی و عدم شرط تقارن تاریخی آثار در این مکتب تطبیقی دو رمان مورد مطالعه فارغ از تقارن تاریخی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هم از حیث ساختاری-سبکی هم از لحاظ محتوایی با هم دارند. مسأله‌ای که در پژوهش‌های ارزشمند قبلی فراموش شده بود. به طور خلاصه می‌توان گفت: هر دو رمان اگرچه در ابتدا با رویکردی رئالیستی به خود گرفته است. همان‌طور که در رمان «خشم و هیاهو» به عنصر زمان توجه شده و دو زمان متفاوت باهم در آمیخته است - ساعت شکسته کونتین و ساعت رعب آلود دیلسی- ؛ در رمان کنفانی نیز شاهد چنین توجهی به عنصر زمان و درهم‌آمیختگی و تداخل زمانها هستیم - ساعت شکسته حامد و ساعت وحشتناک مریم-. همچنین هر دو رمان حتی در عشق به خویشاوندان و قوم‌دوستی نقطه اشتراک دارند با این تفاوت که عشق به نزدیکان در رمان فاکنر، عشقی آشکار و بی‌پرده است، اما در رمان کنفانی این عشق در لایه‌های روایت، پنهان است. افزون بر این هر دو رمان مزبور دارای شیوه روایی پیچیده و بیشتر شبیه داستان‌های درونه‌ای یا داستان در داستان است. البته خلاقیت ویژه کنفانی این است توانسته این سبک روایی را در مورد موقعیتی معین و در موضوعی با رنگ و بوی تاریخی به اجرا درآورد. دیگر وجه تمایز رمان وی این است که علی‌رغم بعد تکاملی و جهان‌شمول «خشم و هیاهو» که در نتیجه آن قهرمانانش به مثابه اندیشه‌ها و حالت‌هایی روان- شناختی تلقی می‌شوند؛ موضوع و قهرمانان «رمان ما تبقی لکم»، رگه‌هایی از وجدان ناخودآگاه ملت نویسنده به طور خاص نیز می‌باشد و نه فقط وجدان بشری در مفهوم جهانی و عام واژه. بدین معنا که فاکنر در رمانش تنها به تعامل با وجدان همگانی یا ناخودآگاه جمعی بسنده کرده است اما کنفانی به رمانش رنگ محلی بخشیده و از خلال معرفی و پردازش شخصیت قهرمان شکست‌خورده و قربانی، رمانش به عنوان آیینی تمام‌نمایی برای خشونت و ظلم تاریخی حاکم بر جامعه، تقریباً به یک اثر جهانی بدل گشته است.

## 4. نتیجه‌گیری

به طور کلی از مجموع آنچه گذشت، این نتایج حاصل می‌شود:

1. بررسی تطبیقی روشمند و مبتنی بر رویکرد و مبانی نظری مشخص بر غنای آثار حوزه ادبیات تطبیقی و درک و تبیین درست تر مطالعات بینا فرهنگی این آثار توسط مخاطبان خواهد افزود و این مهم تقریباً در تمام مطالعات پیشین مربوط به دو رمان مورد بحث مغفول مانده است.
2. از لحاظ محتوا و دامنه تأثیر پذیری، هر دو رمان، فروپاشی کامل خانواده را به خاطر جنگ و پیروزی تجاوزگران روایت می‌کنند.
3. از لحاظ ساختاری، زبانی و شیوه روایی، هر دو رمان از ساختار رمانتیک فاصله گرفته و ساختاری رئالیستی یافته است. در هر دو رمان به عنصر زمان توجه شده و دو زمان متفاوت باهم در آمیخته است. افزون بر این، هر دو، دارای شیوه روایی پیچیده‌ای یا ماهیت داستان درونه‌ای هستند.
4. ویژگی منحصر به فرد غسان کنفانی این است که او سبک روایی را در مورد موقعیتی معین و در موضوعی با رنگ و بوی تاریخی به کار برده است ..
5. برخی ویژگی‌های رمان روان‌شناختی نو (مدرن) در هر دو رمان مشهود است. ویژگی‌های سبکی جریان سیال ذهن رمان کنفانی گاهی با فاکتور تفاوت دارد. این سبک به طور پراکنده در این دو اثر تبلور یافته است. هر دو نویسنده به دشواری پیروی از این اسلوب اعتراف کرده اند؛ به همین جهت، هر دو مایلند که به مخاطب، در شناخت جهان پیچیده و آشفته درون، یاری رسانند.
6. کنفانی با نگاهی خوش‌بینانه، بدبینی‌های موجود در رمان روان‌شناختی نو را می‌زداید؛ ولی فاکتور نسبت به این امر امانت‌دار و روح بدبینی و ناکامی بر رمانش حکم فرماست. هر دو رمان در به کارگیری زبان شعری با هم مشترکند.
7. از لحاظ نحوه به کارگیری سایر عناصر داستانی، عنوان رمان فاکتور بر بی‌ارزشی زندگی بشری تأکید دارد؛ اما عنوان رمان کنفانی، برگرفته از دغدغه فلسطینی است که نویسنده هر روز با آن زندگی می‌کند. عنصر پیرنگ در بخش نخست هر دو رمان از هم گسیخته است؛ اما ظاهراً در واپسین بخش رمان ما تبقی لکم به پیرنگ بسته تغییر کرده است.
8. دغدغه همگانی شخصیت‌های رمان کنفانی، در تداعی‌ها و زبان‌شان به وضوح نمایان است. اما شخصیت‌های فاکتور، غالباً دغدغه فردی و درونی دارند.
9. فاکتور جریان سیال ذهن شخصیت‌های خود را در چهار فصل جداگانه ارائه داده است ولی کنفانی این شگرد را با هم درآمیخته و آن را در یک فصل گنجانده است.
10. شخصیت زن نزد فاکتور صدای خاصی ندارد؛ اما صدای شخصیت زن رمان غسان را در امتداد صدای مرد می‌شنویم.

11. مخاطبان رمان کنفانی، وجدان بشری به طور عام و نیز وجدان ناخودآگاه ملت نویسنده به طور خاص است و به رمانش رنگ محلی بخشیده است؛ اما مخاطب رمان فاکنر وجدان همگانی یا ناخودآگاه جمعی است.
12. هر چند رگه‌هایی از تأثیرپذیری سبکی در اثر کنفانی یک مقلد صرف نبوده بلکه آگاهانه، از دستاوردهای رمان مدرن بهره گرفته است.
13. خلاقیت منحصر به فرد او در عینیت بخشی به دو عنصر زمان و مکان و نیز در ایجاد وحدت انداموار میان انسان و سرزمین تجلی یافته است.
14. هردو نویسنده به طور گذرا، به برخی از ابعاد زندگی‌نامه فردی همچون شغل و بحران‌های تاریخی‌شان اشاره کرده‌اند.

### توصیه‌ها و پیشنهادها

پژوهشگران این اثر در پایان برای برون رفت از یکنواختی و سطحی بودن تحلیل این قبیل متون به دست اندرکاران حوزه ادبیات تطبیقی بلکه متخصصان ادبیات جهانی پیشنهاد می‌کنند:

-آموزشی، واحدهای درسی بیشتری به آموزش اصول و مبانی روش‌شناسی و مطالعات بینافرهنگی اختصاص داده و کارگاه‌های آموزشی و کرسی‌های نظریه‌پردازی فصلی با حضور استادان متخصص از ملل مختلف تشکیل دهند تا تجربیات موفق آموزشی را با هم به اشتراک بگذارند.

-پژوهشی، ترجمه فارسی دو رمان با توجه به اینکه خصوصیات سبکی آثار را به خوبی درک نکرده است جای نقد و ارزیابی دارد. ویژگی‌های روانی و شخصیتی و نمود فردیت دو نویسنده در این دو اثر نیز می‌تواند موضوع پژوهش تطبیقی جدیدی باشد.

### پی‌نوشت:

- 1- اصطلاح فرانسوی رمان (novel) برای آثار متنوع و گوناگونی به کار برده می‌شود که وجه مشترک آن‌ها منثور و داستانی و طولانی بودن آن‌هاست (Mirsadeghi, 1388, p. 136) (میرصادقی و دیگر، 1388: 136). در کتب مختلف، رمان‌ها را بر اساس موضوع به چند دسته تقسیم کرده‌اند. برای مثال میرصادقی و ذوالقدر برای آن حدود پنجاه نوع ذکر کرده‌اند که در تعریف هر یک از این انواع، اختلافات جزئی وجود دارد (Mirsadeghi, 1388, p. 138) (میرصادقی و دیگر، 1388: 138-172).. نویسنده دیگری سی و یک نوع برای آن ذکر کرده است و برای هر یک تعریف مختصری به همراه نمونه‌هایی از آن، در ادبیات‌های مختلف آورده است (Arzandehnia, 1386, pp. 50-53) (ارزنده‌نیا، 1386: 50-53). از انواع این رمان‌ها، رمان روان‌شناختی است و آن «رمانی است که در آن توجه بسیار به حالت‌ها و عواطف پیچیده ذهنی و ویژگی‌های درونی شخصیت‌های داستان بشود. از این رو، محتوای رمان‌های روان‌شناختی به آنچه رخ می‌دهد، اکتفا نمی‌کند، بلکه بیشتر به تشریح چرایی و

چونی‌ها و علّت و معلول‌های اعمال و واکنش‌ها می‌پردازد و به زندگی عاطفی شخصیت‌های رمان، بیشتر از معمول اهمیت می‌دهد و به انگیزه‌های اعمال و رفتاری که از شخصیت‌ها سر می‌زند، توجه بسیار دارد. در قرن بیستم که روان‌شناسی پیشرفت کرد و پایگاه علمی به دست آورد، استفاده از اصطلاح رمان روان‌شناختی باب شد و مخصوصاً فرویدیسیم به این نوع رمان، تحرك بخشید. رمان روان‌شناختی نو- که نخستین بار در نتیجه توجه فوق‌العاده هنری جیمز به زندگی روانی شخصیت‌های داستانی‌اش به وجود آمد- به عنوان نوع مدرنی از رمان روان‌شناختی، ممکن است به ثبت تجربه درونی شخصیت‌ها بپردازد که نویسنده آن را نقل می‌کند، همچنان که هنری جیمز تمایل به این کار داشت یا در نهایت، تک‌گویی درونی را به کارگیرد تا ضمیر ناخودآگاه و صامت شخصیتی را بازگو کند. چنین خصوصیتی در برخی از آثار جیمز جویس (1882-1941م) و ویلیام فاکنر (1897م- 1962م) و ویرجینیا وولف (1882-1941) دیده می‌شود، از این نظر، نوع جدیدتر رمان روان‌شناختی، رمانی است که اغلب از آن به عنوان رمان جریان سیال ذهن یاد می‌کنند» (میرصادقی و ذوالقدر، 1388 : 156) (Mirsadeghi, 1388, p. 156).

### منابع و مأخذ

#### منابع فارسی

- ارزنده نیا، محمد، راز زندگی در ادبیات داستانی جهان (بررسی و معرفی داستان‌ها و داستان‌سرایان مشهور و مهم ایران و جهان)، جلد اول: ادبیات داستانی حوزه ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، 1386.
- اعظمی خویرد، حسن، ترجمه چهار فصل نخست کتاب جمالیات الشخصية الفلاسطينيه لذي غسان كنفاني اثر ماجده حمود به همراه فرهنگ و واژگان مهم نقدي، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران واحد پردیس قم، 1389.
- حسینی، صالح. بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب، تهران، انتشارات نیلوفر.
- دبلیواسلیجر، هربرت و شهامی، النا. روشهای پژوهش در زبان دوم. ترجمه خلیل میرزایی و حمیدرضا فاطمی پور. انتشارات ارسباران، چاپ اول، 1378
- سارتر، ژان پل. درباره خشم و هیاهو، زمان در نظر فاکنر، ترجمه: ابوالحسن نجفی، کتاب امروز، دفتر اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، 1350.
- فاکنر، ویلیام. خشم و هیاهو؛ ترجمه: صالح حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر، 1369.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی (متوسط)، جلد ششم (اعلام)، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، 1358.

- میرصادقی، جمال، میمنت ذوالقدر. واژنامه هنر داستان‌نویسی، فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی، تهران: انتشارات کتاب مهناز، چاپ دوم- ویراست دوم، 1388.
- نجفی، ابوالحسن. مقاله «خشم و هیاهوی ویلیام فاکنر»، کتاب امروز، دفتر اول، صفحات 14-16، 1350.
- یوسف، الساعدی، عباس داوی. بررسی تحلیلی زاویه دید در رمان‌های پارسی‌پور و الركابی با تکیه بر رمان "سگ و زمستان بلند" و "لیل علی بابا الحزین". مجله کلیات اللغات. العدد 40 . 2019.

### منابع غیر فارسی

- بیضون، توفیق، غسان کنفانی الكلمة والجرح، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمية، ط: 1، 1995م.
- حمود، ماجده. (2005). جمالیات الشخصية الفلسطينية لدي غسان كنفاني، دمشق، دارالنمير للطباعة و النشر و التوزيع. ط: 1، 1372.
- الزركلي، خيرالدين. الأعلام، مج5، بیروت: دارالعلم للملایین، ط: 6، 1984م .
- عاشور، رضوي. الطريق الي الخيمة الاخری، بیروت: دار الآداب، 1977م .
- علوش، سعید. مدارس الادب المقارن، دراسة منهجية، بیروت: المركز الثقافي العربي، ط: 1، 1987م .
- فوکنر، ولیم. الصخب و العنف، ترجمه: جبرا ابراهیم جبرا، دارالآداب، بیروت، ط: 2، 1979م.
- کفافی، محمد عبدالسلام. في الأدب المقارن، بیروت: دار النهضة العربية، 1971م .
- کنفانی، غسان. ما تبقى لكم، بیروت: دار الطليعة، 1972م.
- -----. الآثار الكاملة، الروایات، المجلد الاول، بیروت، لبنان: مؤسسة الابحاث العربية ش.م.م، ط: 7، 2009م
- وادی، فاروق. ثلاث علامات في الرواية الفلسطينية، غسان كنفاني. اميل حبيبي. جبرا ابراهیم جبرا، ط: 1، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، 1981م.

### مقالات و منابع اینترنتی

- اعظمی خویرد، حسن ، عرب یوسف آبادی عبدالباسط، عرب یوسف آبادی، فائزه (1398). دراسة مقارنة في تيار الوعي بين روايتي «ما تبقى لكم» لغسان كنفاني و«شازده احتجاب» لهوشنك كلشيري، ادب عربي (دانشكده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران). بهار و تابستان، دوره 11 ، شماره 1 ؛ از صفحه 217 تا صفحه 239 .

- حمود، ماجدة. الكويت في حياة غسان كنفاني، مجلة الهدف، ع10: ص 36-53، 1993م .
- صاعدي، احمد رضا. كاريست امپرسيونيسم در رمان «ما تبقي لكم» اثر غسان كنفاني، سال سوم، دوفصلنامه علمي پژوهشي نقد ادب معاصر عربي: 147-170، 1392م .
- ميرحق جو، سعيده و علي نژاد، فاطمه. دراسة في رواية ما تبقي لكم لغسان كنفاني، فصلنامه دراسات في الادب المعاصر، شماره 6: صص 149-166، 1389 .
- النقيب، فضل. عالم غسان كنفاني، مجلة شؤون فلسطينية، ع13 : 196، 1972م .
- اليوسف، يوسف، غسان كنفاني روائياً، مجلة المعرفة، ع 173 : 46، 1976م .
- [https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post\\_44.html](https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post_44.html) .

## References

### Persian resources

**Arzandehnia**, Mohammad, The Secret of Life in World Fiction (Review and Introduction of Famous and Important Stories and Storytellers of Iran and the World), Volume One: Fiction of Iran, Tehran: Information Publications, First Edition, 2007..

**Azami khavirad**, Hassan, translation of the first four chapters of the book Palestinian Personality Jamaliyat by Ghassan Kanfani by Majdeh Hammoud along with important critical vocabulary, thesis for obtaining a master's degree in Arabic translation, University of Tehran, Qom Campus Branch, 2010.

**Al-Zarkali**, Khair Al-Din. Al-Alam, Volume 5, Beirut: Dar Al-Alam for Millions, I: 6, 1984 AD.

**Ashour**, Razavi. The road to the other tent, Beirut: Dar Al-Adab, 1977.

**Alloush**, Saeed. Schools of Comparative Literature, a systematic study, Beirut: The Arab Cultural Center, i: 1, 1987.

**Beydoun**, Tawfiq, Ghassan Kanafani, The Word and the Jarh, Beirut, Lebanon: Dar Al-Kutub Al-Ilmia, i: 1, 1995 AD.

**Faulkner**, William. Anger and commotion; Translation: Saleh Hosseini, Tehran: Niloufar Publications, 1990

**Faulkner**, William. The Noise and the Violence, translated by: Jabra Ibrahim Jabra, Dar Al-Adab, Beirut, 2nd Edition, 1979 AD.

**Hosseini**, Saleh A Comparative Study of Anger and Pandemonium and Prince Ehtejab, Tehran, Niloufar Publications.

**Kafafi**, Mohamed Abdel Salam. In Comparative Literature, Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya, 1971.

**Kanafani**, Ghassan" Ma tabaqa lakom", Beirut: Dar Al-Tali'a, 1972. Complete Effects, Narratives, Volume One, Beirut, Lebanon: The Arab Research Foundation LLC, i: 7, 2009

**Moin**, Muhammed. Farhang-e Farsi (Medium), Volume 6 (Announcement), Tehran, Amirkabir Publishing Institute, Third Edition, 1979.

**Mirsadeghi**, Jamal, Meymant Zolghadr. Glossary of the Art of Fiction, Detailed Dictionary of Terms of Fiction Literature, Tehran: Mahnaz Book Publishing, Second Edition - Second Edition, 2009.

**Najafi**, Abu al-Hassan The article "William Faulkner's Rage and Pandemonium", Book Today, Book One, Pages 14-14, 1350.

**Sartre**, Jean Paul. About Anger and Pandemonium, Time in Faulkner's View, Translated by Abolhassan Najafi, Today's Book, First Office, Tehran: Pocket Books Company Publications, 1350



**Non-Persian sources**

**Hammoud**, Majda. (2005). The Aesthetics of the Palestinian Personality by Ghassan Kanafani, Damascus, Dar Al-Namir for printing, publishing and distribution. i:1, 1372.

**Wadi**, Farouk. Three Signs in the Palestinian Novel, Ghassan Kanafani. Dear Emile. Jabra Ibrahim Jabra, i: 1, Beirut: The Arab Foundation for Studies and Publishing, 1981 AD.

**Articles and Internet resources**

**Azami khavirad**, Hassan, Arab Yousefabadi Abdolbaset, Arab Yousefabadi, Faezeh (1398). A Comparative Study in Al-Awi Tiara between the narration of "We follow you" by Lafsan Kanfani and "Prince of Ehtejab" by Kushiri, Arabic literature (Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran). Spring and Summer, Volume 11, Number 1; From page 217 to page 239.

**Alnaqib**, fadl. The world of Ghassan Kanafani, Palestinian Affairs magazine, p. 13: 196, 1972

**Al-Yousef**, Youssef, Ghassan Kanafani as a novelist, Al-Ma`rifa Magazine, Vol. 173: 46, 1976 AD. **Hammoud**, Magda. Kuwait in the Life of Ghassan Kanafani, Al-Hadaf Magazine, 10: pp. 36-53, 1993 AD.

**Merhak Jo**, Saeeda and Ali Nejad, Fatima. A Study in the Novel What Remains for You by Ghassan Kanafani, Fasnama Studies in Contemporary Literature, Shamara 6: pp. 149-166, 1389

**Remak**, Henry H. H, "Comparative Literature, Its Definition and Function" p. 33-37, 1961.

**Saedi**, Ahmad Reza Application of Impressionism in the novel "We are following you" by Ghassan Kanfani, third year, bi-monthly scientific research journal of contemporary Arabic literature: 147-170, 2013.

**W. Sliger**, Herbert & Shohamy, Elana. Research methods in the second language. Translated by Khalil Mirzaei and Hamidreza Fatemipour. Arasbaran Publications, first edition, 1999

**Yoosuf**, Abbas Dawi, An Analytical Study of Viewpoint in Parsi Pour's and Ar-Rikabi's Novels: The Dog and the Long Night and Alibaba's Sad Night as Examples", Journal of the College of Languages NO/ 40. Baghdad / 2019.

[https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post\\_44.html](https://www.nidaulhind.com/2016/12/blog-post_44.html)

### **About the authors**

**Raheem M . Jaber Al Attabi Prof.Dr.** Department of Persian literature and Language, University of Baghdad

#### Jobs in which he worked

- Translator in the university president's office 2003/2004
- Officer of Follow-up and Coordination Division / College of Languages 2004/2006
- Associate Dean of the College of Languages for Student Affairs 2012-2013
- Acting Dean of the Faculty of Languages / 2013

Email: [draheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:draheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)

**Dr. Hassan Azami khavirad:** Assistant Professor Department of Arabic Language and Literature University of Tehran.

Email : [h.azami@ut.ac.ir](mailto:h.azami@ut.ac.ir) MobilePhoneNumber: 00989150676135

المقارنة بين رواية ماتبقى لكم لغسان كنفانى و رواية الصخب والعنف  
لوليم فوكنر من منظور المدرسة الأمريكية  
(دراسة منهجية فى التيم و الأسلوب الروائى)

أ.د. رحيم مزهر العتابي  
جامعة بغداد /كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية  
أ.م.د. حسن اعظمى خويرد  
جامعة طهران / قسم اللغة العربية و آدابها

### المستخلص

الادب المقارن ليس فقط نقطة الالتقاء بين لغات، وثقافات، وجنسيات متعددة وانما هو - وحسب تعبير الباحثين-بؤرة ومركز ثقل لما يمكن أن نسميه وثبة ثقافية، أو نهضة حضارية، أو حركة ادبية عالمية تظهر فى لباس النثر حيناً لتتلور فى حلية الشعر حيناً آخر. وبالطبع إن هذه الهيكلية العضوية المتناسقة تقتضى دراسة منهجية متماسكة فى الانتاجات الأدبية للشعوب المختلفة. فأصبحت هذه المنهجية هاجساً كبيراً تتبنى عليها اشكالية هذا البحث الذى يروم انجاز مقارنة منهجية بين رواية ماتبقى لكم لغسان كنفانى و رواية الصخب والعنف لوليم فوكنر فاتخذ البحث منهج الوصفى التحليلى لهدفين اساسيين أولهما بحثياً و هو الكشف عن جوانب اللقاء والخلاف بين الروائيتين وجوانب الابداع السردى للروائيتين وجعلهما على طاولة النقاش النظرى المنهجى والآخر تعليمياً يزود الطلبة الدارسين والباحثين فى الادب المقارن بتطبيق مناهج البحث العلمى النوعى فى قاعات الدرس. ترجع أهمية انجازه و ضرورته الى ان الدراسات السابقة القىمة كانت قد جعلت وراء ظهورها المنهجية والمبادئ النظرية للدرس المقارن-بوعى أو بغير وعى. ومن المستجدات التى تمخض عنها البحث هى أن تلقى الروائتان عند استخدامهما اللغة الشعرية واتخاذهما طابع الرواية النفسية الحديثة التى تتميز بتقنية تيارالشعور وفى ظل هذه القسائم المشتركة بات من الضرورى خضوع الروائيتين للدراسة المقارنة من منظور المدرسة الأمريكية التى كان مطمح الادب المقارن عندها هو دراسة أية ظاهرة أدبية من وجهة نظر أكثر من أدب واحد وخارجا عن الحدود الجغرافية الوطنية. و من أهم النتائج التى تكتسبها الدراسة المنهجية المتبنية على المبادئ النظرية فى مقارنة الروائيتين هى: 1. من الناحية الاسلوبية؛ كلتا الروائيتين يغلب عليهما طابع تيار الشعور وهناك ملامح خجولة من التأثير الاسلوبى على رواية كنفانى الا ان ابداعه الاسلوبى لايمكن تجاهله فيها. 2. من ناحية التيم الروائى؛ غسان كنفانى برؤيته المستقبلية كان مبدعا فى روايته حيث يميل لثام التشاؤمية عن روايته لينفخ فيها روح التفاؤل بينما فوكنر لايزال يفى بالتشاؤمية التى هى من ميزات الرواية النفسية الحديثة .

**الكلمات المفتاحية:** الادب المقارن، المدرسة الأمريكية، منهجية الاسلوب و التيم الروائى، ما تبقى لكم، الصخب والعنف.